

ایستگاه آخر نجیب محفوظ



* ایستگاه آخر: نجیب محفوظ.

* نوشته محمد سلماوی.

* ترجمه: اعظم السادات میرقادری.

* چاپ اول، تهران: نشر و پژوهش دادار، ۱۳۸۸.

محفوظ با تاریخ‌نگاری‌های جرجی زیلان، که تنها قصد آموزش تاریخ را دارد، دارای تفاوت‌های اساسی است. پس از آن، نجیب محفوظ به نگارش رمان‌های اجتماعی روی آورد و در این زمینه یکی از بهترین آثارش، یعنی رمان سه‌گانه را تألیف کرد. وی در این رمان در خلال سرگذشت سه نسل از یک خانواده مسلمان، افکار و تمایلات و عقاید مردمان مصر را در قبال موضوعات خانوادگی، اجتماعی و ملی، با بیان تمام مشکلات و کاستی‌ها به تصویر کشیده است. محفوظ پس از آن شروع به ذوق‌آزمایی در سبک‌هایی چون سمبولیسم، امپرسیونیسم، رئالیسم فلسفی، رئالیسم نوین و شیوه‌هایی مانند جریان سیال ذهن نمود که در آن زمان برای خواننده عرب‌زبان ناآشنا بود. او در این مرحله با استفاده از زبانی نمادین، به نقد اوضاع سیاسی و اجتماعی کشورش پس از انقلاب ۱۹۱۹ پرداخت. مترجم، بن‌مایه داستان‌های نجیب محفوظ را هویت و روح مصری می‌داند و ضمن اعتقاد به همانندی وی با سه داستان نویس برجسته جهان، داستایفسکی، دیکنز و بالزاک، خاطر‌نشان می‌سازد: آن سه به ترتیب نماینده و نشانه ابدی روح روسی و انگلیسی و فرانسوی بودند و نجیب محفوظ نماینده هویت و تاریخ و فرهنگ مصر است. وی در ادامه، از زبان آثار محفوظ سخن می‌راند و معتقد است که وی توانست از زبان عربی قدیمی‌آکنده از بلاغت، زبان داستانی جدیدی بسازد که نه بسیار فنی و مصنوع باشد و نه سطحی و پیش‌یافتاده. او در نگارش متون سهل و ممتنع، بسیار چیره‌دست بود. با وجود اینکه زبانش به معیار نزدیک بود، اما همه مردم با تفاوت‌های فرهنگی و سنتی و گرایش‌های مختلف فکری، مخاطب و خواننده آثار او بودند. مترجم آنگاه به دیگر فعالیت نجیب محفوظ، یعنی نویسندگی برای سینما اشاره کرده و خاطر‌نشان می‌سازد: او اولین ادیب مصری بود که از اواسط قرن بیستم، برای سینما می‌نوشت. جایگاه نجیب محفوظ در سینما، پایین‌تر از جایگاه او در ادبیات معاصر نیست. او شالوده مکتب رئالیسم را در سینمای مصر نهاد و در مدت همکاری‌اش با کارگردانان بزرگ سینما، ۲۵ فیلمنامه نوشت و بر اساس رمان‌های مشهورش نیز ۴۰ فیلم ساخته شد. نجیب محفوظ در سال ۱۹۸۸ جایزه ادبی نوبل را به خود اختصاص داد. گفتنی است محمد سلماوی، نویسنده این کتاب، خود از روزنامه‌نگاران و نویسندگان برجسته مصر است و در حال حاضر نیز در هیئت تحریریه چند روزنامه پرتیراژ قاهره فعالیت دارد و تا کنون چندین کتاب و شمار زیادی مقاله به چاپ رسانده است. وی کمی پیش از درگذشت نجیب محفوظ، به ریاست «اتحاد الکتاب مصر» (اتحاد نویسندگان مصر) انتخاب شد و تا کنون این منصب را دارد. او بیش از سی سال با نجیب محفوظ آشنایی نسبتاً نزدیک داشت و در این مدت، تأثیرات بسیاری، چه در زمینه فنون نویسندگی و چه در باب اخلاق و سلوک اجتماعی، از او پذیرفته است. گفت‌وگوهای پربار آن دو، به مدت ۱۲ سال، هر هفته در ستونی در روزنامه «الأهرام» به چاپ می‌رسید.

این کتاب، گاهی است اجمالی به زندگی طولانی و پربار نجیب محفوظ (۱۹۱۱-۲۰۰۶م)، نویسنده برجسته مصری، از خلال خاطرات آخرین روزهای حیات وی؛ یعنی از لحظه ورودش به بیمارستان در روز یکشنبه، ۱۶ جولای ۲۰۰۶، تا روز پنجشنبه، ۳۱ آگوست ۲۰۰۶، که چهره در نقاب خاک کشید. نجیب محفوظ در ۱۱ دسامبر سال ۱۹۱۱ در محله جمالیه مصر دیده به جهان گشود؛ محله‌ای قدیمی که وی بعدها پایه‌های اصلی رمان‌هایش را بر اساس خاطرات و انسان‌ها و اتفاقات آنجا بنا کرد. در دوران نوجوانی و جوانی، نهال ذوق و قریحه‌اش را با مطالعه آثار نام‌آوران ادبیات عربی، از ابوالعلاء معری گرفته تا طه حسین و منفلوطی و عقاد و دیگران، سیراب نمود و روح کنجکاو و سیری‌ناپذیرش با مفاهیمی جدید آشنا شد. در سال ۱۹۳۴ موفق به اخذ مدرک کارشناسی در رشته فلسفه شد. از همان زمان یا کمی پیش از آن، شروع به نگارش مقالات فلسفی و داستان‌های کوتاه و دنباله‌دار نمود که در روزنامه‌ها و مجلات آن زمان به چاپ می‌رسید. سپس وارد دوره کارشناسی ارشد شد و موضوع پایان‌نامه‌اش را «مفهوم زیبایی در فلسفه اسلامی» قرار داد؛ اما در حین تحقیق و پژوهش در این زمینه، بر سر توراخی میان ادامه تحصیل در رشته فلسفه و ادبیات قرار گرفت، که در نهایت، علاقه او به ادبیات و به‌ویژه داستان‌نویسی، بر علاقه‌اش به فلسفه چیره گشت و بنابراین، تحصیلاتش را نیمه‌کاره رها و از آن پس تمام هم‌تش را صرف نگارش نمود. مترجم در بخش آغازین کتاب، پس از مقایسه نجیب محفوظ با محمدعلی جمال‌زاده، بنیان‌گذار داستان‌نویسی نوین در زبان فارسی، چنان عنوانی را به نجیب محفوظ در زبان عربی می‌دهد؛ البته در سطحی بالاتر، با این توضیح که: «جمال‌زاده در عمر کوتاه داستان‌نویسی خویش، از چهار چوب داستان‌نویسی اجتماعی پا فراتر نگذاشت؛ اما نجیب محفوظ به لطف نزدیک به یک قرن زندگی و فعالیت ادبی، انواع مختلفی از داستان کوتاه و رمان را تجربه نمود و تقریباً تمام سبک‌های رایج زمان خود را آزمود و در هر مورد شاهکاری آفرید و سرانجام پس از بیش از هفتاد سال نویسندگی و در ۹۴ سالگی، خود نیز مبتکر سبکی جدید و منحصر به فرد و بی‌نظیر در داستان‌نویسی شد». وی سپس سیر داستان‌نویسی نجیب محفوظ را شرح می‌دهد؛ بدین ترتیب که او نخست به نوشتن رمان‌های تاریخی روی آورد؛ زیرا در آن زمان اندیشه میهن‌پرستی در مصر بالا گرفته بود و نجیب محفوظ با توجه به حساسیت اوضاع، اهتمام به مظاهر فرعون‌ی مصر، به منزله مظاهری والا از تاریخ آن کشور، را در برابر هجوم انگلیسی‌ها امری واجب دید و چون کتاب‌های بسیاری در زمینه تاریخ مصر و آثار باستانی آن مطالعه کرده بود، تصمیم گرفت از مطالعاتش در راه ژرف نمودن احساسات میهن‌دوستانه بهره گیرد. مترجم سه داستان تاریخی نجیب محفوظ، یعنی عبث الأقطار، رادوبیس و کفاح طیبیه، را که نخستین داستان‌های او هستند، سنگ‌بنای اولیه داستان‌نویسی عربی می‌داند و معتقد است که رمان‌های تاریخی